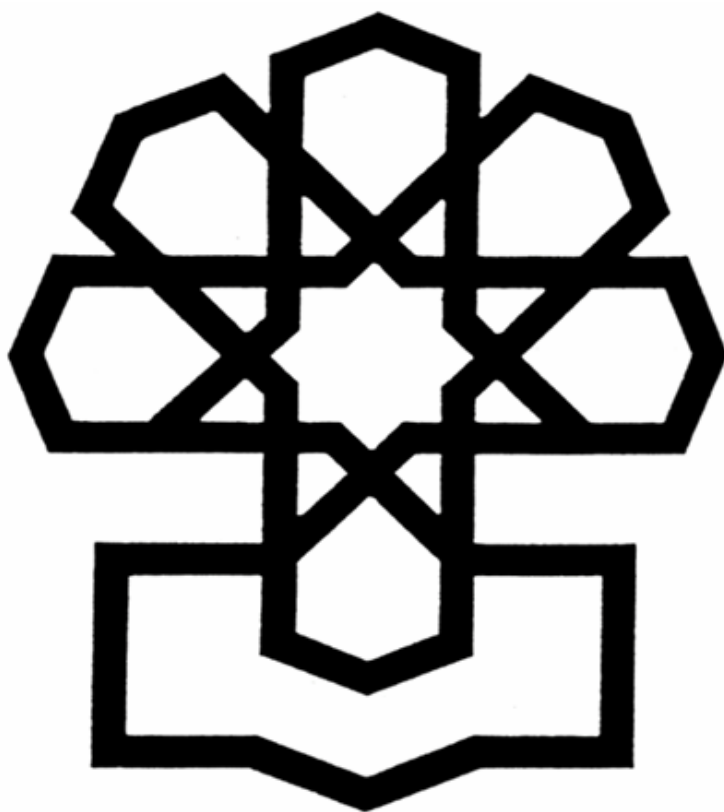


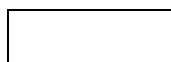


()

()



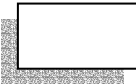
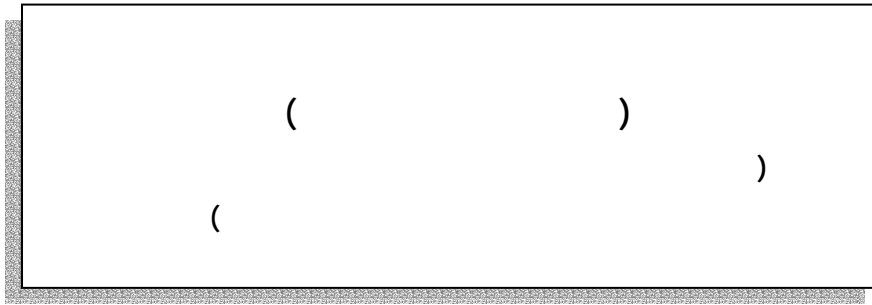
:



:



.....
.....
.....
.....
.....



نظر به جایگاه و نقش مجلس شورای اسلامی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر مفاد فصل ششم قانون اساسی - که بی‌تردید در زمره قوانین اساسی مترقی جهان می‌باشد - مجلس، در مقابل دولت نه تنها می‌تواند به عنوان نهاد استصوابی و هادی ظاهر شود؛ بلکه وظایف «محدودکنندگی» را نیز عهده‌دار است. مجلس، موظف است چارچوب کلی فعالیت دولت را مشخص ساخته و از طریق سازوکارهای کنترلی و محدودکننده یا به عبارت دیگر «اختیارات نظارتی» خود، اختیارات آن را به نحوی مهار سازد. قدرتی که به مجلس برای ورود به کلیه مباحث دولتی به صورت بالقوه اعطا شده و در قانون اساسی به نحو صریح و روشن مدون گشته، در عمل باعث می‌شود که به دولت تحریک بخشیده و آن را به پویایی وادارد. همچنین، خصلت و توان درخواست‌گری نیز به عنوان بعد دیگری از اقتدار و مشروعیت مجلس، نه تنها به صورت قابلیت کنترل‌کننده ظاهر می‌شود، بلکه هر لحظه به نماینده این امکان را می‌دهد که طالب اجرای امری شود که توسط دولت انجام نشده، یا به عبارت دیگر، دولت در انجام آن «قصور» کرده است.

از آنجایی که سوء مدیریت و فساد اداری و مالی در دستگاه‌های عمومی یا دولتی عامل مؤثری در ایجاد نارضایتی در میان مردم و تضعیف پایه‌های حکومت در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و از طرف دیگر، قوای دیگر به خصوص قوه مجریه با در اختیار داشتن بیش‌ترین امکانات، وسایل مالی و منابع انسانی، قسمت اعظم قدرت و زمامداری را اعمال می‌نماید. لذا زمینه انحراف و سوء استفاده از اختیارات قانونی در آن، از دو قوه دیگر بیش‌تر است. به همین دلیل کنترل قدرت این قوه و نظارت دقیق و مستمر بر اعمال آن اهمیت و ضرورت بیش‌تری پیدا می‌کند. از این رو، بهترین روش برای مبارزه با سوء جریان در اداره امور کشور و مهم‌ترین تدبیر برای جلوگیری از بروز جریان ناسالم، وجود «نظارت مستمر، مؤثر و نهادینه شده» می‌باشد.

عمل نظارت برچگونگی فعالیت کارگزاران اجرایی و چگونگی اجرا و تحقق قوانین مصوب توسط نمایندگان مجلس، مهم‌ترین وظیفه قوه مقننه بعد از تکلیف قانونگذاری و به تعبیری هم‌سنگ اختیار قانونگذار است.

به عبارت دیگر، اگر قوه مقننه نتواند عمل نظارت، بازبینی، تعقیب و تصحیح اعمال دولت را که

1. این گزارش براساس جلسه روز دوشنبه ۱۳ مهر ۱۳۸۳ که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار گردید تهیه و تنظیم شده است.



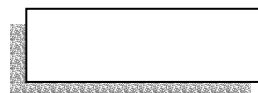
مجموعه‌ای از اعمال مالی، سیاسی و اداری قوه مجریه است، محقق سازد، عمل نمایندگی و تفویض اختیار را که از سوی مردم به او اعطا شده و بارزترین صورت حاکمیت مردم می‌باشد، عملی نساخته است.

از این رو، قطع نظر از ابزارهای نظارتی مجلس از جمله: تحقیق و تفحص، سئوال، استیضاح، تذکر به وزیر یا هیأت وزیران، کنترل و تصویب لایحه بودجه‌های سالیانه، که مجلس و نمایندگان در مورد آن‌ها به انجام وظایف قانونی نظارتی خود می‌پردازند. ضرورت نهادینه کردن فرآیندهای نظارتی مجلس، اصلی است انکارناپذیر که برای ارتقای سطح کارآمدی مجموعه نظام باید بدان پرداخته شود.

براین اساس، بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی کارکردهای نظارتی مجلس از کارآمدی و اثر بخشی بهینه‌ای برخوردار نبوده است. نگاهی گذرا به مفاد فصل ششم، به ویژه اصول (۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۴، ۷۶، ۷۱) قانون اساسی نشان می‌دهد ابعاد نظارتی مجلس به روشنی و به نحو مؤثری در اصول مزبور آمده است.

بدین سان، وظیفه‌ای که به مجلس محول شده است تنها در بعد قانونگذاری خلاصه نشده و خاتمه نمی‌یابد، بلکه قانونگذاری وظیفه‌ای است که تحقق احسن آن الزامات، وظایف و اختیارات دیگری را می‌طلبد.

بنابراین، تعریف و تمهید مقدمات اشراف و حضور مؤثر نمایندگان بر روندهای عملکردی قوای مجریه و قضاییه، علاوه بر موارد مزبور، از سازوکارهای دیگری از جمله: عضویت نمایندگان ناظر در مجامع مختلف دستگاه‌های اجرایی و قضایی برخوردار است. اما، سئوال این است که طی ادوار شش‌گانه پیشین مجلس، این بعد از وجوه نظارتی مجلس تا چه حد اثربخش و مؤثر بوده است؟ به تعبیر دیگر، آیا مجلس در راستای انجام وظایف قانونی خود و نمایندگان در چارچوب ایفای وظایف قانونی نمایندگانی از تمام ظرفیت‌های قانونی جهت نظارت بر روندهای اجرایی استفاده نموده‌اند؟ و اگر این چنین نبوده است، موانع و محدودیت‌های آن کدامند و برای رفع آن چه باید کرد؟ برای پاسخ به این سؤالات ابتدا با طرح موانع و محدودیت‌ها، «وضعیت موجود» را تبیین آنگاه، پس از ارائه راهکارها به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.



به طور کلی بررسی وضع موجود نشان می‌دهد که کارکردهای نظارتی مجلس با شرایط کنونی به نحو مؤثری تحقق نمی‌یابد. عدم تحقق «اثر بخش» وظایف نظارتی مجلس متأثر از مجموعه عوامل مختلفی می‌باشد که مهم‌ترین آنها به طور خلاصه عبارتند^۱ از:

- نبود ضمانت اجرای گزارش‌های واصله از سوی نمایندگان ناظر در مجامع مختلف و عدم

۱. در سنجی به عمل آمده در جلسه روز ۱۳/۷/۱۳۸۳ که در مرکز پژوهش‌ها برگزار شد؛ پرسش شونده‌گان، به ترتیب اهمیت و اولویت، بر موارد فوق تأکید نموده‌اند.



- توجه کافی و نافذ مجلس به مقوله نظارت کنون،
- عدم آشنایی کافی نظار به اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های خود و دستگاه‌های تحت نظارت، به دلیل فقدان منشور نظارت و دستورالعمل‌های مربوطه،
 - عدم همکاری مناسب و مؤثر دستگاه‌های تحت نظارت اعم از اجرایی و قضایی با نمایندگان ناظر،
 - نبود ابزارهای اجرایی اعمال نظارت،
 - کمبود امکانات «سخت افزاری» در اختیار نمایندگان ناظر،
 - کمبود «وقت» نمایندگان که متأثر از عوامل مختلفی از جمله: کم و کیف جلسات علنی، جلسات کمیسیون‌های تخصصی، ارباب و رجوع و... است.
 - مشکل ساختاری نهادینه نشدن مقوله «فرهنگ نظارت» و پایین بودن جایگاه و شأن کارکردهای نهادهای نظارتی در بین مردم و مسئولان،
 - عدم همخوانی بین تخصص و تجارب برخی از نمایندگان با خصایص و الزمات دستگاه تحت نظارت،
 - عدم آگاهی مدیران و مسئولان دستگاه‌های اجرایی به آثار و نتایج سازنده و اثربخش مقوله «نظارت»،
 - وجود رابطه به جای ظابطه، ارتشاء و چالش‌های مربوط به «تبانی» در روندهای نظارتی،
 - عدم انسجام بین سیاست‌ها و خط مشی‌های نظارتی متأثر از: «تعدد مبادی و دستگاه‌های نظارتی»،
 - نبود کنترل و نظارت مؤثر بر فعالیت‌های نمایندگان ناظر، از سوی مجلس شورای اسلامی،
 - بهینه نبودن روند عضویت نمایندگان در کمیسیون‌های تخصصی، به مثابه پیش زمینه عضویت نمایندگان در مجامع نظارتی،
- در این راستا، نظرسنجی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مهرماه ۱۳۸۳ که جامعه آماری آن (۵۶) تن از نمایندگان عضو مجامع نظارتی دوره هفتم مجلس شورای اسلامی بوده‌اند، نشان می‌دهد که، از بین گزینه‌های (خیلی کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد)، ۳۵/۷۱ درصد پاسخ دهندگان اثربخشی نظارت مجلس بر دستگاه‌های اجرایی را (زیاد) و ۳۲/۱۴ (خیلی زیاد) توصیف نموده‌اند.
- پرسش شوندگان در قبال این سؤال که، تا چه حد برای نظارت ابزار لازم در اختیار شما قرار دارد؟ ۵۸/۹۲ درصد گزینه (کم) و ۳۷/۵ درصد (خیلی کم) را انتخاب نموده‌اند. همچنین، ۳۵/۷۱ درصد نحوه همکاری دستگاه‌های اجرایی را (ضعیف)، ۲۱/۴۲ درصد (خیلی ضعیف) و ۳۳/۹۲ درصد (متوسط) برآورد نموده‌اند.
- پاسخ دهندگان در برابر این سؤال که، تا چه اندازه برای انجام نظارت مؤثر، برگزاری جلسات توجیهی با اهل فن و متخصص را ضروری می‌دانید؟، ۴۸/۲۱ درصد گزینه (خیلی زیاد)، ۴۱/۰۷ درصد (زیاد) و فقط ۸/۹۲ درصد گزینه (متوسط) را انتخاب نموده‌اند.
- این که تا چه حد گزارش‌های نظارتی دارای ضمانت اجرا می‌باشد؟ ۳۵/۷۱ درصد گزینه (متوسط) ۲۶/۷۸ درصد گزینه (کم) و ۱۷/۸۵ درصد گزینه (خیلی کم) را انتخاب کرده‌اند؛ و سرانجام این که ۸۵/۷۱ درصد از سؤال شوندگان در قبال این سؤال که آیا برای انجام نظارت دستورالعمل مکتوب وجود دارد؟ پاسخ منفی داده‌اند.



همچنین ۴۴ درصد از نمایندگان در حد متوسط، ۳۲ درصد در حد زیاد، ۱۴ درصد در حد خیلی زیاد و ۷۰ درصد در حد کم با وظایف نظارتی خود آشنا هستند.



به طور خلاصه، با تأکید بر این که رفع چالش‌ها و موانع مزبور، در گرو جرح، تعدیل و بهینه سازی شرایط کنونی می‌باشد، مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی عبارتند از:

- تهیه و تدوین آیین‌نامه (منشور) نظارت و نهادینه کردن بسترهای اجرایی مؤثر و اثر بخش آن،
- ایجاد سازوکارهای «الزام‌آور» برای دستگاه‌های اجرایی و قضایی در جهت همکاری مؤثر با نمایندگان ناظر،

- تعریف، تبیین و ترویج روند «نهادینه کردن فرهنگ نظارت» با تأکید بر ارتقاء نقش و جایگاه نظارت از طریق: ۱. فرهنگ سازی ۲. تعریف جایگاه متناسب از طریق سازوکارهای قانونی،

- تشویق متناسب ناظران امین، صادق و خدوم و تنبیه خاطیان و مجرمان،
- نهادینه کردن «ضابطه به جای رابطه» و تأکید و پرهیز از «برخوردهای سلیقه‌ای» از طرق:
۱. افزایش سطح دانش و بینش نمایندگان از حوزه عملکردی دستگاه تحت نظارت از طرق مختلف از جمله: برگزاری جلسات توجیهی، تهیه راهنمای دستگاه‌های اجرایی و ۲. اشراف کافی بر اختیارات، مسئولیت‌ها و وظایف نظارتی،

- اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، به عنوان پیش نیاز تهیه منشور نظارت، به منظور مؤثر نمودن کارکردهای نظارتی مجلس،

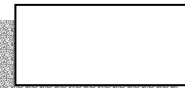
- ایجاد بستر تعامل سازنده با هیأت دولت از طریق ایجاد سازگاری بیش‌تر بین مصوبات مجلس با مصوبات هیأت دولت، در زمینه نهادینه کردن مقوله نظارت و نیز ایجاد تعامل با سایر نهادهای بازرسی و نظارت از جمله: سازمان بازرسی کل کشور، وزارت اطلاعات و ... با هدف ایجاد تمرکز مؤثر در فرآیندهای نظارتی،

- لزوم افزایش امکانات «سخت افزاری» برای مجموعه ناظرین مجلس در مجامع مختلف،
- ایجاد زمینه انتقال تجارب نمایندگان ناظر ادوار گذشته به نمایندگان کنونی از طرق مختلف از جمله برگزاری نشست‌های کارشناسی - مشورتی،

- اطلاع‌رسانی مناسب و مؤثر از نتایج و آثار فرآیندهای نظارتی به مردم و مسئولان،
- تخصیص متناسب «وقت کاری» نمایندگان به رسیدگی به وظایف نظارتی،
- تأکید بر ضرورت همخوانی برای گزارش‌های ارائه شده از سوی نمایندگان ناظر به مبادی مختلف مجلس،

- ارتقاء سطح ضمانت اجرایی برای گزارش‌های ارائه شده از سوی نمایندگان ناظر به مبادی مختلف مجلس،

- ایجاد دفاتر نظارت دائمی مجلس شورای اسلامی در سطح استان‌ها و الزام دستگاه‌های اجرایی به خصوص «استانداری‌ها» بر تعامل مؤثر و سازنده با یکدیگر،



با توجه به مطالعات صورت گرفته، به نظر می‌رسد در بین نمایندگان محترم مجلس، به ویژه نظار و کارشناسان ذی‌ربط در زمینه موارد زیر اجماع نظر وجود دارد:

- وظیفه نظارتی مجلس هم‌سنگ با وظیفه قانونگذاری مجلس شورای اسلامی می‌باشد؛ که این وظیفه تا کنون «مغفول» مانده است،

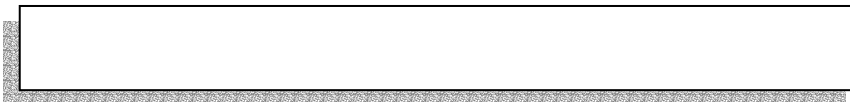
- «وضعیت موجود» کارکردهای نظارتی مجلس، شرایط رضایت بخشی ندارد و از ظرفیت‌های موجود استفاده بهینه نمی‌شود،

- فقدان ضمانت اجرا جهت گزارش‌های نظار، نهادینه نبودن فرهنگ نظارت و نبود آیین‌نامه ویژه‌ای برای نظارت و ... ضرورت جرح و تعدیل در سازوکارهای کنونی را بیش از پیش ایجاب می‌نماید، از این رو، مراتب فرآیند پیگیری رفع و موانع و محدودیت‌های شرایط کنونی به گونه‌ای است که باید از طریق انجام «کارشناسی‌های» لازم با تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های موجود، سه مرحله زیر تبیین، تعمیق و پیگیری گردد:

۱. تبیین وضعیت موجود، مبتنی بر شناختی واقع بینانه (چالش‌ها، موانع و محدودیت‌ها) به شرحی که گذشت.

۲. ایجاد بستر جرح و تعدیل سازوکارهای کنونی، با تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های مربوطه، به منظور افزایش سطح اثر بخشی و کارآمدی روندهای نظارتی و به خصوص «نظارت مستمر بر حسن اجرای آن».

۳. تأکید بر اصل «نهادینه کردن فرآیندهای نظارتی» با ایجاد اهتمام ملی، به خصوص در سطح اختیارات و وظایف مجلس شورای اسلامی.



بسم الله الرحمن الرحيم. بنده برخودم لازم و واجب می‌دانم که از مرکز پژوهش‌ها و هیأت رئیسه به معنای واقعی کلمه تقدیر و تشکر کنم. همچنین از نمایندگان محترم و معززی که با حضور خویش، در حقیقت در راستای تبیین و اهمیت قائل شدن برای نظارت قدم خوبی را برداشته‌اند. بعد از دستور ریاست مجلس مبنی بر احیای روند نظارت توسط مجلس از آقای دکتر توکلی اجازه خواستیم مرکز پژوهش‌ها را وارد این مسأله کنیم.

به دنبال ابلاغ ریاست محترم مجلس اولین کاری که شروع کردیم بررسی سوابق امر نظارت بود. یعنی آیا آرشیو یا بانک اطلاعاتی از اقداماتی که تا به حال انجام شده است به شکل مدون یا غیرمدون هست؟ آیا انتخاب نمایندگان محترم به عنوان ناظر از طرف مجلس شورای اسلامی در مجالس، مراکز و مؤسسات استان‌ها، شورای برنامه‌ریزی استان‌ها، ارگان‌ها و امثال این‌ها، در قالب یک روند عالمانه، عاقلانه و کارشناسی بوده و منتج به نتیجه شده است؟ آیا براین اساس گزارشی به هیأت رئیسه برای طرح سؤال، استیضاح، تذکر، یا برگزاری جلسه تعاملی با وزیر یا رئیس مؤسسه‌ای وجود دارد؛ آیا گزارشی در قالب امر نظارتی به صحن مجلس ارائه شده که متأسفانه باید گفت نه.

در مرحله بعدی رفتیم سراغ گزارش‌ها، نمی‌خواهم از گزارش‌ها بدگویی کنم، ولی عجیب است بعضاً گزارش‌های خوبی هم از شورای اقتصاد یا از بعضی جاها خدمت عزیزانی که مسئول بوده‌اند رسیده؛ است. این برادر عزیز هیچ حوصله نکرده که حتی یک پاراگراف آن را، در آرشیو نگه‌داری کند. متأسفانه هیچ سابقه‌ای نیست، و اقدامی نشده، در صورتی که اقلماً ۵۰ درصد کار باید نظارت باشد. نظارت اجرایی در حوزه‌های تقنین و قضا، اگر نظارت جایگاه خودش را پیدا کند ما این قدر شرمند مردم خوب نخواهیم شد. این قدر به بیت‌المال و اینقدر به وجاهت جمهوری اسلامی چوب حراج زده نخواهد شد. این جلسه می‌تواند سرآغاز راه‌اندازی نظارت باشد. آن عزیزانی که ناظر انتخاب می‌کردند باید نظارت می‌کردند تا اقلماً چشمانشان را باز می‌کردند که این وظیفه از طرف ۶۵ میلیون نفر در اختیار مجلس شورای اسلامی گذاشته شده. این امانت که از طرف مجلس در اختیار آقای فروغیان، دکتر استکی، آقای ندیمی و سایر عزیزان گذاشته شده، چه کاری برایش کرده‌اند. همگام، همسو و هم‌سطح با تقنین ساختارهای مورد نیاز امر نظارت وجود دارند که کمیسیون‌ها، مرکز پژوهش‌ها و صحن مجلس هستند. مجلس به دنبال تخطئه و مچ‌گیری نیست بلکه می‌خواهیم ببینیم وقتی قانونی تصویب می‌شود چقدر در حوزه عمل به آن بها داده می‌شود. اقلماً سازمان‌ها و مؤسسات بدانند که مجموعه‌ای بر آن‌ها نظارت می‌کند. در این راستا جلسات متفاوتی را با مرکز پژوهش‌ها تشکیل دادیم نمایندگان معرفی شدند. با اجازه ریاست محترم مجلس یک هیأت عالی نظارت، البته به شکل غیررسمی مرکب از عزیزانی که در حوزه نظارت سوابق و تجربیاتی داشتند تشکیل دادیم.

بر اساس جلسات برگزار شده تصمیم گرفته شد که در سه حوزه نظارت را احیا کنیم.



۱. هیأت عالی نظارت ۲. مرکز پژوهش‌ها، ۳. مجلس شورای اسلامی. همچنین با تشکیل کمیته‌هایی مرکب از نهادها و کارشناسان درصدد بررسی و احصا موانع نظارت هستیم، تا چنانچه نیاز به قانون یا مصوبه‌ای ضروری به نظر رسید؛ تمهیداتی برای ارائه آن به صحن به عمل آوریم. اگر نیازی به اصلاح قوانین نظارتی یا اصلاح آیین‌نامه‌ای احساس شد آن را انجام خواهیم داد؛ یا اگر نیازی به تشکیل همایش‌ها و دعوت از مدیران بخش‌های مختلف باشد. این کار را نیز انجام خواهیم داد.

بسیار خوشحالم که دوستان و نمایندگان محترم مجلس برای هم‌اندیشی درباره امر مهم نظارت گردهم آمده‌اند. نظارت یک امر عقلی است. یعنی هر انسان عاقلی برای اداره مؤسسه‌ای ولو هرچند هم که کوچک باشد، خود را محتاج نظارت می‌بیند، در شرع هم بر این امر عقلی تأکید شده، است. امیرالمؤمنین به مالک اشتر توصیه می‌کرد که چشمان پنهان و آشکار داشته باشند، در نهج‌البلاغه هم قرائن و اماناتی است مبنی بر این‌که امیرالمؤمنین ناظر آشکار و پنهان داشته چنان‌که در نامه (۴۵) که خطاب به عثمان بن حنیف صادر شده اشاره می‌کند که به من خبر رسیده، این جمله نشان می‌دهد که نظام بازرسی و نظارت در زمان امامت حضرت علی (ع) در سیستم حکومتی وجود داشته است. هر حکومتی باید در کنار اجرا مسأله نظارت را هم جدی بگیرد؛ تجربه ۲۵ سال گذشته نشان می‌دهد آنقدر که وقت صرف تقنین می‌کنیم صرف پیگیری قانونی که تصویب شده نکرده‌ایم. من از ۱۳۶۰ تاکنون عضو شورای عالی آموزش و پرورش بوده‌ام. آن‌جا هم به نوعی مجلس آموزش و پرورش است.

در این شورا قوانین مربوط به تحصیلات دانش‌آموزان، وضع می‌شود. همیشه این دغدغه برای من وجود داشته که آیا بر اجرای آنچه تصویب می‌شود؛ نظارت می‌کنیم. بارها شاهد بوده‌ام که ما برای تغییر یک کلمه در یک عبارت ممکن است مدت طولانی بحث کنیم، بعد که این تصویب می‌شود هیچ سؤالی نمی‌کنیم که این مصوبه چه سرانجامی پیدا کرده است آیا در کل کشور کسی عنایتی به تأثیر عملی قوانین تصویب شده در جامعه دارد؟ این مسأله همیشه امری دست دوم بوده است.

حالا که توفیق حضور در مجلس نصیب ما شده است باید به مسأله نظارت به عنوان یکی از وظایف مهم مجلس به صورت جدی‌تری نگاه کنیم.

در قانون اساسی بر نظارت نمایندگان بر امور کشور در اصل «۷۶» (تحقیق و تفحص)، اصل «۸۸» (سؤال از مسئولان اجرایی)، اصل «۸۹» (استیضاح)، اصل «۹۰» (رسیدگی به شکایات مردم که منشأ پیدایش کمیسیون اصل ۹۰) شده دیده شده است. به هر حال یکی از وظایف مجلس در ذهن مردم نظارت است به عامه مردم هم که مراجعه کنید و از آن‌ها بپرسید مجلس چه وظیفه‌ای دارد قطعاً در ذهن آن‌ها وظیفه نظارتی جایگاه مهمی دارد. اصل ۹۰ مجلس می‌تواند خارج از این چارچوب مأموریت‌های ویژه‌ای به نمایندگان برای نظارت بدهد. یکی از وظایف نظارتی مجلس حضور ناظران مجلس در شوراها و دستگاه‌های مختلف تصمیم‌گیری است که جایگاه قانونی دارند.



جلسه امروز اختصاص به انواع سازوکارهای نظارتی مجلس و وظایف ناظرانی دارد که برحسب قانون انتخاب می‌شوند.

ناظر حداقل دو شرط را باید داشته باشد. اول پاک و دوم آگاه باشد. شرط اول نظارت پاک بودن است. تا بتوان به گزارش ناظر اعتماد کرد. همان‌طور که مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان فرمودند با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه‌ای را تمیز کرد. اگر مجلس یا نمایندگان یا ناظران صلاحیت نداشته باشند و خودشان پاک و وارسته نباشند از نظارت طرفی بسته نمی‌شود. البته پاک بودن شرط لازم هست ولی کافی نیست، در کنار پاکی وقوف و آگاهی کارشناسی از موضوع هم، ضرورت دارد. نکته‌ای درباره معنای نظارت عرض کنم. نظارت، لااقل دو جنبه را توأم در برمی‌گیرد، یکی نظارت بر افراد، مجریان و مدیران، یعنی ناظر باید گزارش دهد؛ آیا فردی که مسئول انجام کاری است صلاحیت و لیاقت انجام کار را دارد. آیا آگاه، مدیر، مدبر و توانا هست یا نه.

مثالی در مورد آموزش و پرورش می‌زنم. وقتی یک بازرس یا ناظری به مدرسه‌ای می‌رود یکی از جنبه‌های نظارتی آن است که آیا یک مدیر یا یک معلم سواد و مدیریت دارند یا نه. جنبه دیگر نظارت بر ساختارها، قوانین و داده‌هاست. ممکن است فردی توانایی و عزم لازم، انگیزه کافی و آگاهی لازم برای پیمودن راهی را داشته باشد اما وجود برخی مشکلات اجازه ندهند که او به مقصد برسد. ناظر باید هم به رهرو هم به راه نظارت کند. مجلس نباید شأن نظارتی خود را فقط بر صالح بودن یا نبودن افراد به عنوان مجریان متمرکز کند. این قطعاً یک جنبه از وظیفه نظارتی مجلس است؛ ولی همه وظیفه نظارتی مجلس در این جنبه خلاصه نمی‌شود. جنبه دوم یعنی نگاه ساختاری به ضعف قوانین، که مهم‌تر از جنبه اول است. در اوایل تشکیل مجلس هفتم سازمان بازرسی کل کشور نمایشگاهی از دستاوردهای آن سازمان ترتیب داده بود. آن‌طور که مسئولان سازمان بازرسی کل کشور می‌گفتند، ۹۰ درصد از اشکالات ناشی از نواقص ساختاری است. یعنی فقدان یا ضعف قوانین، سبب پدید آمدن مشکلات یا انحرافات شده است. قوانین کهنه و قوانینی که متناسب با تحولات زمانه، متحول نشده‌اند بستر خطا و انحراف می‌شوند. به عنوان مثال به پدیده اینترنت اشاره می‌کنم. اینترنت در جهان امروز پدید آمده و امری نبوده که ۲۰ یا ۳۰ سال پیش وجود داشته باشد. امروزه کار کردن با آن و حضور اینترنت در عرصه جهانی، ایجاب کرده که مجالس قانونگذاری متوجه نیاز به قوانینی متناسب با این پدیده بشوند و کاملاً محسوس است که دستگاه قضایی کشور احتیاج به یک سلسله قوانین در حوزه اینترنت دارد. موضوعاتی هم هستند که نو نیستند ولی تحولاتی در آن عرصه رخ داده است. مثلاً موضوع زمین و مالکیت، باید قوانین در مورد این موضوعات مرتباً اصلاح شوند زیرا قوانین کهنه اجازه می‌دهند که عده‌ای سوءاستفاده کنند. این‌ها نکات مهمی است و باید متذکر شوم که نباید نظارت را با مچ‌گیری و غافلگیری یکی دانست. ما به عنوان نمایندگان ملت در مجلس باید نگاهمان به مسأله نظارت بیش‌تر در جهت وضع قوانین جدید و اصلاح قوانین موجود در این زمینه باشد.

ناظران توسط مجلس انتخاب شده‌اند. اما بعد از آن چه می‌شود؟ واقعاً همان روزهایی که



انتخابات صورت می‌گرفت در فکر بودم که ما چه کار داریم می‌کنیم؛ و به کجا می‌رویم. لذا لازم است در آغاز کار مجلس هفتم نکات زیر مورد توجه قرار گیرد.

۱. آیا همه مواردی که در ۲۵ سال گذشته مشمول نظارت شده هنوز هم موضوعیت خود را حفظ کرده‌اند و انتخاب ناظر برای آن‌ها ضرورت دارد؟ به اصطلاح تجدیدنظر می‌کنیم. اگر بیست سال پیش مجلس تصمیم گرفته یک یا دو نفر در خصوص موضوعی نظارت کنند آیا هنوز مجلس چنین اعتقادی دارد. ممکن است آن موضوع دیگر احتیاج به نظارت نداشته باشد و پرونده آن بسته شود؛ از طرف دیگر ممکن است یک نفر حتی اضافه شود این یک مسأله است که در اصل موضوع باید تأمل شود، من هیچ حکمی نمی‌کنم ولی می‌گویم که «انا وجدنا اباغنا الا امت و انا الا آثار هم لمقتدون»

۲. آیا می‌توان نوعی آیین‌نامه داخلی برای اعمال نظارت مجلس تهیه کرد و آن را در اختیار ناظران قرار داد تا اعمال نظارت نظمی پیدا کند؟

۳. نحوه نظارت بر فعالیت ناظران و دریافت و ارزیابی گزارش‌های آنان و انعکاس آن به مخاطبان لازم، تاکنون چگونه بوده و از این به بعد چگونه باید باشد.

در واقع سؤال سوم از دو سؤال اول مهم‌تر است. من احساسم این است که نمایندگانی که از مجلس به عنوان ناظر در جلسات و شوراها شرکت می‌کنند عملاً به عنوان اشخاص حقیقی شرکت می‌کنند؛ نه اشخاص حقوقی. چون اگر کسی به عنوان شخص حقوقی عمل نظارت را انجام دهد باید یک سازوکار منظم و پیش‌بینی شده‌ای قبل و بعد از نظارت وجود داشته باشد؛ زیرا ناظر باید به عنوان عضوی از یک مجموعه باشد. سؤال من از نمایندگان و همکارانی که توسط مجلس به عنوان ناظر انتخاب شده‌اند؛ این است که وقتی که به شوراها دعوت می‌شوید یا در کمیته‌هایی که در آن‌ها به عنوان ناظر شرکت می‌کنید؛ قبل از رفتن، با مجلس ارتباطی دارید، که در واقع نظر مجلس را در آن شورا یا کمیته ارائه دهید. آیا گزارشی از حضورتان در یک جلسه یا شورایی به مجلس ارائه می‌دهید. آیا گزارشی از تأثیر حضورتان در فضای جلسه یا کمیسیونی که در آن شرکت کرده‌اید ارائه می‌کنید؟ این حضور باعث اصلاح یا تغییر در قانون یا قانونگذاری می‌شود؛ یا همچون نقطه‌های پراکنده و جدای از مجموعه به عنوان افرادی خوب، که اطلاعاتی هم دارند در جلسات حاضر می‌شوید و بعد هم تمام می‌شود. به عبارت دیگر اگر شما عضو مجلس نبودید و در این جلسات شرکت می‌کردید، شرکت شما در آن موقع با الان که نماینده‌ای از مجلس هستید چه تفاوتی دارد. این را باید مشخص کنیم و واقعاً حضور شما به عنوان ناظر باید آثاری در این کمیسیون‌ها، داشته باشد. به حکم وظیفه مسئول هستیم که این نظارت را معنادار کنیم، سازمان بدهیم و نظارت را به عنوان یک وظیفه حقوقی در سازوکار مجلس تثبیت کنیم و به آن اهمیت دهیم.

این گردهمایی مقدمه‌ای است برای جلب توجه همگان به سوی این وظیفه، امیدوارم حاصل کنکاش شما دوستان منتهی به ارائه پیشنهادهایی شود که در نخستین قدم بتوان در آیین‌نامه داخلی مجلس که در دست اصلاح است آن را اعمال کنیم. اگر حاصل پیگیری‌ها و پیشنهادهای شما، مرکز پژوهش‌ها و آقای محبی‌نیا، منتهی به وضع قانونی درباره نظارت، شود این قدم اول است. قدم دوم



ایجاد تشکیلات و بخشی در هیأت رئیسه یا مجلس که مسئول پیگیری امر نظارت شوند. از جمله اموری که مطمئن نیستم الان وضع درستی داشته باشد، همین کیفیت انتخاب ناظران است. یعنی چگونه یک نفر به عنوان ناظر برای موضوعی انتخاب می‌شود، بالاخره باید تناسبی بین سابقه فعالیت فرد ناظر و موضوع نظارت وجود داشته باشد. مانند ناظر شورای اقتصاد، شورای پول و اعتبار و ... آثار آن در کشور می‌تواند خیلی زیاد باشد. برخورد لازم می‌دانم از یکایک شما دوستان و همکاران سپاسگزاری کنم که دعوت مجلس را برای حضور در این جمع پذیرفتید، از مرکز پژوهش‌ها و به خصوص جناب آقای دکتر توکلی که در این کار نیز مرکز پژوهش‌ها یار و یاور بوده و موضوع را جدی گرفتند و برای آن وقت صرف کردند، باید تشکر کنم و بالاخص جناب آقای جهانبخش محبی‌نیا دوست و همکار عزیزم در هیأت رئیسه تشکر کنم که تقاضای بنده را برای پیگیری این امر پذیرفتند و تشکیل این جلسه هم نتیجه مساعی ایشان بوده است. ان شاء... که پیشنهادهای خوبی از این تجمع حاصل شود و قدمی در راه انجام وظیفه برداشته شود، برای همه شما آرزوی موفقیت می‌کنم.

خدمت همکاران سلام عرض می‌کنم. از آنجایی که حدود ده سال در جانشینی بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح کشور مسئولیت داشتم؛ در بخش بازرسی و نظارت که دو واژه و تعریف جداگانه و دو روش اجرا بر آن مترتب است تخصص و تجربه لازم را دارم. از ریاست و هیأت رئیسه محترم، تشکر می‌کنم که واقعاً در همین اول شروع مجلس به فکر احیا سازوکار مفعول‌الواقع شده در ادوار گذشته مجلس افتادند و فکر می‌کنم همان‌طور که اشاره شد پنجاه درصد از وظایف مجلس نظارت است. فرمان حضرت امام که فرمودند مجلس در رأس امور است، می‌تواند دو جنبه داشته باشد، قانونگذاری و نظارت. این نظارت اگر به موقع و بهنگام باشد، امور پیشرفت مطلوبی را در پی خواهند داشت. در این زمینه اشاره می‌کنم به فرازی از سخنان مولا امیرالمؤمنین به مالک اشتر که «وبعثل عیون، من اهل صدق وفای عهد». احساس می‌کنم که دستگاه‌ها آماده پذیرش نظارت مجلس و نیازمند به آن هستند. از طرف دیگر مردم هم این توقع را از مجلس دارند. در کشور باید نظارت را بر ساختار، نیروی انسانی، مدیران، امکانات و تجهیزات، پیشرفت طرح‌ها و پروژه‌های یک سازمان اعمال کرد. بنابراین چنانچه بخواهیم نظارت را تقسیم‌بندی کنیم، می‌توانیم به صورت برنامه‌ای دستورالعمل و آیین‌نامه را به کار گیریم و سازوکار را مشخص کنیم، این نظارت نوع اول است، وقتی از نظارت برنامه‌ای مدتی گذشت، آن را به صورت میدانی، جلسه‌ای، مکاتبه‌ای، یا قانونگذاری باید اعمال کنیم.

نظارت نوع دوم، پیگیری از نظارت اولیه است. نظارت نوع سوم، نظارت ناگهانی است. مثل نظارت بر وقایع اتفاق افتاده در پاکدشت. نظارت نوع چهارم، نظارت طبق دستور یا نظارت ویژه است. مثلاً بنا به دستور ریاست محترم مجلس و رؤسای کمیسیون‌ها، ناظرینی را به صورت ویژه اعلام خواهند کرد.



از فکر و تدبیر و اندیشه ریاست و هیأت رئیسه محترم مجلس و جناب آقای دکتر توکلی در مرکز پژوهش‌ها که اساسی‌ترین موضوعی که باید در نظام به آن توجه می‌شد و نشده، هم از طرف خودم و هم از طرف همه عزیزانی که دلشان در راستای احیای نظارت مجلس می‌سوخته ولی در این چند سال کاری نمی‌توانستند انجام دهند سپاسگزارم.

نظارت در قانون اساسی به نحو بسیار جالب هم برای سه قوه و هم برای ملت دیده شده است. در این جا بحث نظارت مجلس را از دید قانون اساسی می‌خواهیم بررسی کنیم. قانون اساسی دو شخصیت حقیقی و حقوقی برای مجلس در نظر گرفته است. برای نمایندگان به عنوان شخصیت حقیقی و برای مجموعه مجلس به عنوان شخصیت حقوقی حق نظارت قائل شده است (اصل ۸۵ قانون اساسی). اصول نظارتی کاملاً استصوابی هستند به خاطر این‌که در آن شرایط نیاز را به نحوی تشخیص دادند که در مقام اختلاف حق اعمال با رئیس مجلس است و دولت حق ندارد بگوید چرا. بنابراین دولت باید اجرا کند و اگر اجرا نکند کان لم یکن است.

بنابراین وقتی می‌خواهیم نظارت را اعمال کنیم باید بینیم چه نوع نظارتی می‌خواهیم، جایگاه ما در آن نظارت چیست و با چه قدرتی می‌خواهیم اعمالش کنیم. در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی تنها جایی که قدرت اعمال نظارت بر مبنای قانون موضوعه و براساس اختیارات واگذار شده از طرف قانون اساسی را دارد، نظارت مشخص رئیس مجلس است، بقیه نظارت‌ها شیوه، روش و طریق ندارند و فقط در قانون اساسی و قوانین موضوعه به صورت پراکنده بیان شده‌اند؛ هر جایی در این نظام فساد است ناشی از قوانین، تصویبنامه اجرایی و فقدان نظارت است.

بنابراین اگر قرار است فساد را برداریم باید امکان کنترل اختیارات را داشته باشیم. باید بتوانیم نظارت را اعمال و ظرفیت نظارتی‌مان امکان اجرا و بروز پیدا کند. ظرفیت نظارتی مجلس را نتوانستیم فراهم کنیم، نه کیفی و نه کمی، نه شکلی و نه ماهوی نه استدلالی و نه استصوابی، چرا؟ چون نظارت در معنای شفاف و روشن آن، این دو جمله است؛ انطباق آنچه باید باشد با آنچه هست. وقتی خدا ما را نظارت می‌کند چگونه نظارت می‌کند، آیا مأمور، مفروض دارد. هر چه که باید بگوید گفته است، بعد می‌گوید آیا آنچه من گفته‌ام تو انجام دادی یا نه. فعل درست یا غلط، اتفاقی یا غیراتفاقی، آشکار یا پنهان، هر طور که شیوه‌های آن را در نظر بگیریم مهم نیست مهم یک عمل است؛ چه باید بشود و چه شده است. وقتی نمی‌گوییم چه باید بشود، آن‌ها هرچه می‌خواهند انجام می‌دهند؛ با چه سازوکاری می‌خواهیم بگوییم برخی اعمال غلط است. زمان نظارتی که می‌خواهیم اعمال کنیم باید مشخص باشد. آیا قبل از این‌که عملی انجام شود بگوییم غلط است، آیا وقتی در حال انجام عملی هستند بگوییم غلط است. یا بعد از این‌که کاری انجام دادند بگوییم غلط است، کی و چگونه باید اعمال نظارت کنیم. ببینیم قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین ابزار و سازوکار تعیین کننده نظارت مجلس واقعاً چه گفته است. این قانون به نمایندگان دو حق داده یکی تذکر و دیگری سؤال. نماینده مادام که سؤال کند هیچ نتیجه‌ای، در بر ندارد در قانون اساسی، سؤال و تذکر حق نماینده و استیضاح، تدبیر و تفحص حق مجلس است. برای کمیسیون اصل نود ضمانت اجرایی در قوانین



موضوعه پیش‌بینی نکرده‌ایم، مجلس در کلیه امور، زمان‌ها، مکان‌ها و بر کلیه آدم‌ها حق نظارت دارد. ولی چگونه بگوید؟ وضع موجود به ما نمی‌گوید که چه بکن، بلکه می‌گوید چه اختیاری داری، نمی‌گوید اختیار را چگونه اعمال کن، نمی‌گوید اگر این اختیار را اعمال نکردی چه می‌شود. خلاصه کلام توانایی داریم، کار و وضع موجود را هم می‌شناسیم، اما قانون موضوعه نداریم. قانون ناقصی به نام قانون نحوه اجرای اصول (۸۸) و (۹۰) قانون اساسی داریم. طرز کار براساس اصل (۹۰) است. ولی هیچ چیز در آن نیست و استدلال محض است. اصل (۱۳۸) که استصوابی محض است و همه جهات در آن دیده شده و اعمال قدرت کامل از طریق آن انجام می‌گیرد. در آیین‌نامه داخلی مجلس هم جسته و گریخته حرف‌هایی زده شده است. اما در مورد این‌که چگونه باید انجام شود چیزی نیست، البته نظارت سیاسی (استیضاح) داریم. بنابراین خواهش می‌کنیم اگر قرار است به آیین‌نامه داخلی مجلس ارجاع بفرمایید بنویسید آیین بازرسی و نظارت.

۱. بی‌اعتقادی به امر نظارت در مجریان اساسی‌ترین مسأله‌ای است که با آن روبه‌رو هستیم؛ و این نیاز به بسترسازی دارد. رسانه‌ها، مطبوعات و همه‌جا بحث نظارت را یک امر ممدوح می‌دانند. واقعیت این است که حرف بسیاری‌زنی ولی پذیرای آن نیستیم.

۲. تعدد دستگاه‌های که نظارتی بعضاً در طول یا عرض یکدیگر هستند. در مجلس نماینده یک ابزاری برای نظارت دارد، کمیسیون تخصصی به گونه‌ای دیگر فکر می‌کند. کمیسیون اصل (۹۰) هم به نوعی دیگر و در نهایت تحقیق و تفحص به صورت عام و با رأی نمایندگان است و به هر جهت در آیین‌نامه چارچوبی دارد.

۳. نبود ضمانت اجرا برای نتایجی که حاصل از امر نظارت هستند. واقعاً برای همین دوستانی که به عنوان ناظر در مجامع مختلف انتخاب شده‌اند چه ابزاری در مجلس هست. یعنی باید به کدام بخش مراجعه کنند و در نهایت دبیرخانه یا محلی هست که خدمات مشاوره‌ای ارائه دهد؛ تا امر نظارت خوب انجام شود. امر نظارت در مجلس، سازوکار و ساختارش دست دوم است. یعنی در مجلس نظارت یک وظیفه نیست یک امر اختیاری است. شما هم داوطلبانه این‌جا هستید. کسی که وارد مجلس می‌شود در طول دوره نمایندگی سؤال می‌کند، تذکر می‌دهد، فعال است، در جمع قرار می‌گیرد و کار نظارتی را انجام می‌دهد، و در نهایت یک گزارش مکتوب هم در مورد انجام نقش نظارتی‌اش در مجلس ارائه خواهد داد و این چیز خوبی خواهد بود. چالش‌های مربوط به تبانی در امر نظارت قوانین غیرشفاف و بعضاً متعارض، باعث بروز برخی اعمال می‌شود. گاهی اوقات مجری قصد سوءاستفاده ندارد، اما مطابق برداشت خودش از قانون عمل می‌کند. اما تلقی ناظر این است که او سوءنیت داشته است. در این صورت اگر مجری کار را صادقانه و براساس تشخیص انجام داده با نتیجه‌ای که ناظر به آن رسیده (تخلف) منجر به درگیر شدن با یکدیگر و نیفتادن در مسیر همدلی برای رفع نقص می‌شود. مطلب آخر نوع نظارت است. در حال حاضر نوع نظارت مجلس از عمق به سطح و از سطح تا فلک‌الافلاک است. روشن کنم یعنی چه، مطابق آن اصولی که آقای سلیمانی گفتند



برداشت من این است که نظارت مجلس، نظارت کلان است. شأن مجلس این است که بررسی کند آیا دستگاه اجرایی برای کنترل خودش دستگاه نظارتی پیش‌بینی کرده و آیا این دستگاه وظیفه‌اش را خوب انجام داده است. الان در مجلس در امر نظارت در تمام موارد، خودمان از ب بسم... شروع می‌کنیم. یعنی می‌رویم هم عرض عواملی قرار می‌گیریم که دستگاه مربوطه این کار را انجام می‌دهد. فلذا با بازرسی همان دستگاه به مشکل برمی‌خوریم. این است که از مرکز پژوهش‌ها و جناب آقای دکتر توکلی این خواهش را داریم، که این تعریف و طبق قانون پیشنهاد و کار شود که این نظارت چه نوع نظارتی است. نظارت از پایین، یا از بالا است. یعنی وسعتش کجاست. من فکر می‌کنم که شأن مجلس این است که نظارتش از نوع نظارت بر حسن اجرای قوانین نباشد زیرا این وظیفه قوه قضاییه است. نظارتی که در حال حاضر اعمال می‌شود نتیجه‌اش قضاوت است.

با تشکر فراوان از برادران عزیزی که در این رابطه زحمت کشیدند. بالاخص ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، برادرمان آقای محبی‌نیا، آقای دکتر توکلی و دوستانی که در این خصوص جلسه تشکیل دادند. در این مملکت مشکل قانون نداریم. بلکه مشکل اجرای آن است. قانون داریم ولی اجرا نمی‌شود. چرا اجرا نمی‌شود برای این که در واقع نظارتی نیست. این همه اتفاق، اختلاس و سایر مسائلی که پیش می‌آیند به علت نبود نظارت است. درست است که نظارت برای مجلس از بعد کلان است و در آن هم هیچ شکی نیست. ولی هر کس هم در حوزه خودش باید بداند که در فلان اداره چه اتفاقی می‌افتد (حداقل در ماه). مشکلی که در حال حاضر وجود دارد این است که نه دولت نظارت آن‌چنانی دارد، نه مجلس و نه دستگاه قضایی. حضور یک بازرس ناظر بر مسائل می‌تواند ثمربخش باشد. همین اندازه که حضور داشته باشد و افراد بدانند که نظارتی وجود دارد، می‌تواند خیلی مؤثر باشد. اگر در کارها نظارت باشد، افرادی هم که در رأس امور قرار گرفته‌اند، هرگز زیر سؤال نمی‌روند و امثال این‌ها.

مردم بهترین بازرس هستند. اطلاعاتی که از آن‌ها می‌رسد، بهترین نظارت است. نمایندگان می‌توانند از طریق مردم نظارت داشته باشند و مسائل را پیگیری کنند. ایرادی ندارد که در سطح پایینی است، همین که ادارات، مؤسسات و وزارتخانه‌ها بدانند مردم با نماینده و تشکیلاتش در تماس هستند و مسائل را مطرح کنند، واقعاً می‌توانند مؤثر باشد.

۱. ناظر باید وقت زیاد بگذارد، یعنی نظارت با ۲ یا ۳ ساعت نیست. من بعید می‌دانم وقت کافی بگذاریم. چون کمیسیون‌ها همیشه با نیم ساعت تأخیر شروع می‌شوند. یعنی کسی که حاضر نیست سروقت بیاید و ۲ ساعت در کمیسیون بنشیند معلوم است که برای نظارت هم وقت نمی‌گذارد.
۲. در هنگام نظارت، ناظر باید سمج باشد.



من هم تشکر می‌کنم از اقدام شایسته‌ای که صورت گرفته و جایش واقعاً خالی بود. برخی از مباحث، راهبردی است. دیدگاه‌هایی که وجود دارند، می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. فکر می‌کنم مقدمات لازم برای اعمال نظارت از لحاظ سنخیت در انتخاب، آیین‌نامه یا معیار سنجش نظارت و همچنین پیگیری و اقدامات بعد از نظارت در بیانات جناب آقای دکتر حداد عادل مشخص شدند. من به اتفاق جناب آقای پیش‌بین در کمیسیون ماده (۱۰) احزاب هستیم. در این کمیسیون صرفاً نظارت نیست؛ بلکه توأمان با اجراست. یعنی یک کمیسیون مرکب از نمایندگان قوای سه‌گانه برای صدور مجوز فعالیت گروه‌ها، احزاب سیاسی و همچنین گروه‌های صنفی. بنابراین اجراست. البته مجموعه کار سیاسی هم هست. بخشی از پیگیری‌های بعد از امر نظارت یا نظارت توأم با اجرا، قاعدتاً همین گزارش‌دهی است. جناب آقای محبی‌نیا، فرمودند هیچ سابقه‌ای نبوده است. خدمت ریاست و هیأت رئیسه محترم مجلس پیشنهاد می‌کنم که این جلسات را با بیان مشخص و در هر حوزه نظارتی که نمایندگان مجلس در آن‌ها حضور دارند متناوباً تشکیل شود تا گزارشاتی از فعالیت‌های آنان داده شود، تا هم کارهایی که صورت گرفته، و هم نوع نگاهی که وجود دارد مشخص شود، مثلاً در کمیسیون احزاب مشکلی که با آن مواجه هستیم، این است که قانون احزاب نوشته شد، بعد آیین‌نامه‌ای برای آن در هیأت دولت تصویب شد. بعداً برای این آیین‌نامه یک آیین‌نامه دوم و تکمیلی تدوین شد. براین اساس می‌بینیم که کمیسیون هیچ نقشی در اداره این جلسه و ساختارهای مربوط به آن به خصوص با آیین‌نامه‌ای که در سال ۱۳۷۸ نوشته شده ندارد. یعنی رئیس و دبیر جلسه، آن‌جایی که باید مقدمات کار را فراهم کنند، کمیسیون هیچ دخل و تصرفی در آن ندارد ما آن‌جا با مشکلاتی از این دست مواجه هستیم. آن جلسات می‌تواند بسیار کارساز باشد.

من برداشتم این است که مهم‌ترین ضعفی که ما الان در مورد موضوع نظارت با آن مواجه هستیم، ضعف مبانی معرفتی است. یعنی آیات قرآن و روایاتی که آقای دکتر حداد عادل فرمودند اگر مورد توجه و نظر قرار بگیرد بسیار حائز اهمیت است. فرض کنیم روز قیامت همین امروز است که می‌گوید دهانتان بسته می‌شود، دست‌هاتان تکلم می‌کند و پاهایتان شهادت می‌دهد. می‌گوییم که در دنیا چه کسب کردیم. در عین حال تأکید خود قرآن بر این است که ما همیشه و در هر حال از جانب خداوند رصد شویم. این اگر اعتقاد و باورمان باشد. وضع خودمان این‌گونه نمی‌شود و وضع دیگران را هم باید بهتر از این ارزیابی کنیم. سازمان بازرسی زحمت می‌کشد کلی نیرو و ابزار به کار می‌گیرد و از یک تشکیلاتی بازرسی به عمل می‌آورد؛ گاهی دیده می‌شود که یک کارشناس می‌آید و با وزیر لابی می‌کند؛ یا مواردی دیده شده که مورد بازرسی به دادگاه می‌رود ولی در آن‌جا خاک می‌خورد. موارد زیادی ما از استان‌مان داریم. مثلاً آلومینای جاجرم را داریم که پرونده‌اش چند سال است که رفته دادگاه و در آن‌جا خاک می‌خورد.



علت‌العلل برمی‌گردد به این که علی‌القاعده بعضی‌هایی که باید خودشان را مسئول بدانند حتی نسبت به بازرسی دستگاه ذی‌ربط خودشان را مسئول نمی‌دانند.

من برداشتم این است که در قانون اساسی بیش از دستگاه‌های دیگر ابزار نظارت برای مجلس وجود دارد. موارد استدلالی است. اصل (۹۰) یک پرونده را نهایی می‌کند، از هیأت رئیسه وقت می‌گیرد و برای مردم خوانده می‌شود؛ این استطلاعی است. گاهی موارد استصوابی است؛ مثل حذف آقای خرم. من تصورم این است که در ارتباط با اصل (۹۰) بعضی از دوستان‌مان شاید اطلاعات‌شان کافی نبود. گاهی برای یک مسئول به انفصال، حبس و جریمه می‌انجامد. مهم این است که ما پی‌جویی نکنیم. من یک خواهش از آقای دکتر و از هیأت رئیسه دارم که اصل (۸۸) را که مربوط به سؤال نمایندگان از وزرا است فعال کنند. تابلوی اصل نود قبلاً اصل (۸۸) و (۹۰) بود. سؤال ما این است که حالا اصل (۸۸) نتیجه و سرانجامش چه شده. در رابطه با اصل (۸۸) آیا این نظارت از ناحیه هیأت رئیسه یا خود مجلس اعمال می‌شود یا به امان خدا رها می‌شود.

یک وجه ناگفته از نظارت مجلس در فرمایشات دوستان، وجه خط‌دهی ناظر است. برخی از این نظارت‌ها برای این نیست که معلوم شود آن‌جا قانون رعایت می‌شود یا نه بلکه برای این است که فضای عمومی مجلس در مورد موضوعی آن‌جا منعکس شود؛ مثل همین کمیسیون احزاب. برای همین هم وقتی یک نفر انتخاب می‌شود؛ فرض بر این است که اکثریت مجلس آن فرد را در انتقال این نظر صاحب‌نظر و صالح تشخیص داده‌اند و این خیلی اهمیت دارد. مثلاً در کمیسیون نظارت بر واگذاری بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی یا در کمیسیون توسعه صادرات ممکن است هر دستگاهی یک نظری داشته باشد. حتماً ناظر باید فضای عمومی مجلس را به آن دستگاه منتقل کند. برای همین بعضی جاها این ناظر صاحب رأی است و جاهایی هم که رأی ندارد، اگر فعال برخورد کند؛ اثر خیلی زیادی دارد. این اقدام پربرکت هیأت رئیسه که بنده باید از آقای دکتر حداد و آقای دکتر محبی‌نیا تشکر کنم؛ سرآغازی است برای این‌که بتوانیم به ناظر همان‌جایی که باید نظارت بر اجرای درست قانون داشته باشد؛ در واقع منتقل‌کننده نظر عمومی مجلس باشد؛ که طبعاً از وجود خود او هم تأثیر می‌پذیرد و ما هم با انتخابش قبول کردیم که از او تأثیر بپذیرد. همان‌جایی که می‌خواهد نقایص قانون را بفهمد و به ما هم بگوید در تمام این مراحل، این جلسه و مرکز پژوهش‌ها و هر نهادی که آقای دکتر حداد صلاح بدانند که در مجلس تعبیه بشود کمک کنیم تا این اتفاقات بیفتد. همان‌طوری که گفتم الان وضع خوبی نداریم. ۵۲ مجمع و شورا هست که شما خواهران و برادران عزیز هر کدام در یکی از آن‌ها ناظر هستید. هیچ ناظری از این ۵۲ شورا و مجمع هیچ گزارشی نداده است. البته چون اول کار است زود است که گله کنیم. مرکز پژوهش‌ها بازوی مشورتی نمایندگان محترم، کمیسیون‌ها، هیأت رئیسه و مجلس است. شما الان یک شأن اضافی که همان ناظر مجلس در مجامع و شوراها است، پیدا کرده‌اید. بنابراین، این مرکز بیش‌تر در خدمت شما خواهد بود. یکی از کارهایی که تصمیم گرفته شده است در مرکز انجام شود، این است که ابتدا به شما کمک کنیم تا



حوزه نظارت خود را خوب بشناسید. اگر برای شما تازگی دارد یا برخی زوایای آن آشکار نشده باشد، کمک کنیم تا حوزه به شما شناسانده شود. وقتی می‌خواهید در این جلسات، شرکت کنید ممکن است به نظر مشورتی احتیاج داشته باشید. وقتی نماینده مجلس در شورای اقتصاد می‌خواهد شرکت کند قبلاً دستور جلسه‌ای برای او از طرف شورا می‌فرستند (ضمیمه دارد). سایر شوراها هم همین‌طور هستند. ناظر باید آن ضمائماً را بخواند. ممکن است سؤال داشته باشید یا تحقیق جداگانه نیاز داشته باشید؛ یا ۲ تا گزارش اضافه‌تر بخواهید. مرکز حتماً وظیفه دارد در خدمت شما باشد. اگر ضمن شرکت در جلسات متوجه شدید که واقعاً این شوراها یا دستگاه‌ها در مفهوم قانون و اجرای آن دچار مشکلند و هر کدام سازوکار خاص خودش را می‌خواهد؛ مرکز می‌تواند در اصلاح قانون ممد شما باشد. شما می‌توانید در خواست خود را ارسال کنید. مرکز این درخواست را به دفتر مطالعاتی ذی‌ربط ارجاع می‌دهد و نظر کارشناسی تهیه و تقدیم حضور شما می‌کند. تصور من این است که نحوه نظارت هیأت رئیسه بر نظار مجلس به این شکل است که این کمیته مسئول شود که به طور ادواری به مجلس و به هیأت رئیسه گزارش دهد؛ که در این ۵۲ مجمع و شورایی که ما در آن‌ها ناظر داریم، چه تعداد در جلسات شرکت کرده و چه تعداد شرکت نکرده‌اند. چه تعداد از جلساتی که در آن‌ها شرکت کرده‌اند گزارش داده و چه تعداد گزارش نداده‌اند، تا از طریق نامه بازخواست یا تشویق شوند.

مجدداً متشکرم از همه عزیزان. در حقیقت حضور این جمع ابلاغ مسئولیت به ما بود که ان‌شاء... همان‌طور که آقای دکتر توکلی فرمودند، نسبت به انجام کارها دقت بیشتری را در اعمال‌مان داشته باشیم. من ۲ یا ۳ نکته هست که خدمت‌تان عرض می‌کنم. این پرسشنامه‌ای را که آقای دکتر توکلی بر آن اصرار کردند من استدعا می‌کنم که همه عزیزان پر بکنند. نسبت به ارسال گزارشات برای هیأت رئیسه محبت بفرمایند، تا بدانیم که عزیزان تشریف می‌برند و چه نواقصی را ملاحظه می‌کنند.



:	
<p>اثربخشی کارکردهای نظارتی مجلس شورای اسلامی (چالش‌ها، موانع و راهکارها)</p>	
:	:
:	:
:	:
:	: